

در باب هنر پارچه بافی عصر قاجار

پارچه بافی عصر قاجار با وجود غنای طرح و اسلوب بافت تاکنون چندان شناخته نشده و درك كامل و جامع‌نگري از آن در دست نیست. دکتر «زهره روح فر»، عضو هیات علمی همایش هنرهای صناعی گردهمایی، باستان شناس و هنر پژوه برجسته و صاحب تالیفات گوناگون در حوزه‌ی پارچه و پارچه بافی ادوار مختلف در ایران می‌باشند. این گفتگو دو سال پیش و به استقبال از همایش فرهنگ و هنر قاجار انجام شده است؛ همایشی که متأسفانه برگزار نشد.

پرسش و پاسخ با دکتر روح فر

در باب هنر پارچه بافی عصر قاجار

مصاحبه از: مقدار جاویدی صباغیان

پارچه بافی عصر قاجار با وجود غنای طرح و اسلوب بافت تاکنون چندان شناخته نشده و درك كامل و جامع‌نگري از آن در دست نیست. دکتر «زهره روح فر»، عضو هیات علمی همایش هنرهای صناعی گردهمایی، باستان شناس و هنر پژوه برجسته و صاحب تالیفات گوناگون در حوزه‌ی پارچه و پارچه بافی ادوار مختلف در ایران می‌باشند. این گفتگو دو سال پیش و به استقبال از همایش فرهنگ و هنر قاجار انجام شده است؛ همایشی که متأسفانه برگزار نشد.

ورود فن آوری نساجی غربی در عصر قاجار از بعد فنی چه تاثیری بر پارچه بافی ایرانی به جا گذاشت؟

- به جرأت می‌توان گفت که تاکنون بررسی دقیق و همه جانبه‌ای درمورد صنعت- هنر پارچه بافی دوره‌ی قاجار براساس بررسی انواع پارچه از نظر فنون بافت و شیوه‌های تزئینی آن به منظور دست‌یابی به یک طبقه‌بندی صحیح انجام نشده و آنچه مختصراً در منابع تاریخ هنر این دوره به آن اشاره شده، بیانگر رکود و به نوعی انحطاط این صنعت-هنرکهن ایرانی است که دلیل آن هم ورود و نفوذ شیوه‌های غربی بر پارچه بافی ایرانی ذکر گردیده است.

اما برخلاف نظریات ارائه شده و براساس دلایل مبتنی برتحقیق در پارچه‌های این دوره باید اظهارداشت که هنرمندان بافنده با همان شیوه‌های سنتی در مراکز مختلف پارچه بافی به تولید انواع پارچه‌های زربفت، مخمل، شال ترمه، پارچه‌های ابریشمی و همچنین انواع دوخته‌دوزی (رودوزی) و نقاشی روی پارچه پرداختند، علاوه بر این به دلیل ورود پارچه‌های اروپایی به ایران و ایجاد رقابت ناشی از آن، ابتکارات فنی در زمینه‌های مختلف مانند ابریشم بافی بوجود آوردند که از آن جمله ابداع فنون جدید در بافت پارچه‌های ابریشمی ساتن بود.

بافندگان این عهد شیوه‌ی لُبه باف و پشت کلاف را در نقش‌اندازی پارچه‌های ساتن به کارگرفته و آثار بسیار زیبا و بی‌نظیری با این اسلوب درکارگاه‌های پارچه بافی ابیانه که مرکز عمده‌ی تولید این نوع پارچه‌ها بود، خلق نمودند.

همچنین دراین دوره بافت نوعی پارچه‌ی ابریشم چند رنگ و درهم بافت سایه‌دار موسوم به «ایکات» رایج شد، که نمونه‌های جالبی از آن باقی است.

در همین زمینه، بافت نوع دیگری از پارچه‌ی ابریشم با فن معروف به دورو یا دوپودی که ازدوره‌ی ساسانیان و پس از آن درقرون اولیه‌ی اسلام در ایران رایج بود، مجدداً به دست هنرمندان بافنده‌ی دوره‌ی قاجار رواج یافت. چند پرده و پوشش قبرکتیبه‌دار ابریشمی با این فن بافت باقی است که یکی از آنها دارای تاریخ ۱۲۰۲ هجری است و عبارت (عمل محمد حسین) نیز روی آن بافته شده است.

به غیر از ابریشم‌بافی، بافت پارچه‌های شال ترمه درکارگاه‌های کرمان و یزد با فنون پیشرفته بیش از پیش رایج شد که دراین راه امیرکبیر(امیر نظام) نقش عمده‌ای داشت. وی سعی فراوانی در توسعه و گسترش این کارگاه‌ها نمود و به همین جهت پارچه‌های شال ترمه به «امیری» نیز معروف شد.

علاوه بر بافت پارچه‌های مختلف، به دلیل ورود پارچه‌های دوخته‌دوزی شده‌ی اروپائی مانند گوبلن‌های فرانسوی و ایتالیایی به ایران و رواج بازار آن، فنون و شیوه‌های متنوعی در زمینه‌ی دوخته‌دوزی‌های ایرانی نسبت به قبل به وجود آمد. لازم به ذکر است که ایران در این راستا نیز دارای پیشینه‌ای کهن است و بنابراین دلایل موجود قدمت آن به دوره‌ی هخامنشی می‌رسد.

به این ترتیب انواع رودوزی مانند ابریشم و گلابتون‌دوزی، نقده‌دوزی، ملیله‌دوزی، خوس‌دوزی، سلسله‌دوزی، رشتی‌دوزی، بخارادوزی، پیله دوزی، دهیک‌دوزی، فتیله‌دوزی با اسلوب‌های تزئینی زیبا و در برخی موارد با تلفیقی بسیار ماهرانه از نقش‌مایه‌های ایرانی و اروپایی بر روی انواع پارچه مانند مخمل، ابریشم و حتی پارچه‌های کتان به دست هنرمندان ایرانی نقش بست.

در نتیجه می‌توان گفت هنرمندان بافنده‌ی دوره‌ی قاجار که وارث فنون و شیوه‌های پیشرفته‌ی دوره‌ی صفوی و قبل از آن بودند، توانستند در شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود با بهره‌گیری از غنای این هنر همراه با شیوه‌های اروپایی و گاه شیوه‌های چینی و هندی مکتبی را تحت عنوان مکتب پارچه‌بافی قاجار خلق نمایند.

نقش و نگارها و موتیف‌های رایج در منسوجات دوره‌ی قاجار چیستند؟ (لطفا در مورد پیوند این نقوش با نقوش دوران صفوی و نیز تاثیر پذیری آنها از نقش‌مایه‌های اروپایی توضیح بفرمایید).

- بر اساس مطالعه‌ی نمونه پارچه‌های موجود همچنین سایر آثارهم‌زمان به ویژه نقاشی‌ها که به گونه‌ای البسه و پارچه را مجسم ساخته‌اند، می‌توان از نظر نوع نقوش و نگاره‌های تزئینی و همچنین شیوه‌های نقش‌اندازی به یک طبقه‌بندی کلی دست یافت که عبارت است از:

۱- نقوش و شیوه‌های رایج دوره‌ی صفوی تحت عناوین مکاتب پارچه‌بافی یزد، اصفهان، کاشان، تبریز- کاشان و تبریز- یزد (این دو مکتب تلفیقی از کار هنرمندان نقاش مکتب تبریز و بافندگان یزد و کاشان است.) همچنان در پارچه‌بافی دوره‌ی قاجار با تفاوت‌هایی تداوم یافت چنان که تداوم شیوه‌ی مکتب یزد را که ویژگی آن استفاده از نقوش و طرح‌های کوچک در یک طرح کلی بود و یا طرح محرابی پوشیده با گل‌های شاه عباسی و ترنج‌های کوچک را بر پارچه‌های ابریشمی و زربفت این دوره می‌توان مشاهده نمود. تکرار نقوش بوته‌های گل در ردیف‌های موازی همراه با نقش پرندگان که در مکتب پارچه‌بافی اصفهان دوره‌ی صفوی رایج بود نیز در پارچه‌های زربفت قاجار ادامه یافت.

در نحوه‌ی به کارگیری نقش انسان در صحنه‌های بزم، رزم، شکار که به ویژه در مکتب تبریز- کاشان دوره‌ی صفوی مرسوم بود با تفاوتی چشمگیر روبرو هستیم، چرا که بر پارچه‌های دوره‌ی قاجار از نقوش انسانی بسیار کم و به صورت کاملاً جزئی استفاده شده در صورتی که در پارچه‌های صفوی نقش انسان بر پارچه‌های تصویردار به صورت موضوع اصلی و بزرگ نقش بسته است.

درمورد نقوش جانوری نیز در این دوره از پرندگان کوچک بیش از سایر جانوران به عنوان نقش مایه‌ی تزئینی استفاده شده که عمدتاً همراه با گل و شاخ و برگ است.

در مورد نقوش گل و گیاه نیز انواع مختلف گل مانند گل سرخ، زنبق، میخک و شاه عباسی و گل معروف به فرنگی که در این دوره مورد توجه بود، در تزئین پارچه‌ها به کار گرفته شد.

برگ‌های بلند و باریک کنگره‌دار مکتب تبریز که در دوره‌ی صفوی زینتگر پارچه و فرش بودند نیز به طور قابل توجه در این دوره جهت تزئین پارچه‌ها به کار گرفته شد .

یکی از طرح‌های قابل توجه در پارچه‌های دوره‌ی قاجار طرح‌های راه راه باریک (محرمات) به صورت عمودی و یا اُریب است که هر راه با تکرار نقوش گل و یا پرندگان کوچک به صورت یک در میان تزئین شده است. از این نوع طرح اغلب جهت پارچه‌های آجیده‌دوزی (لایه دوزی) استفاده می‌شد.

انواع نقوش و طرح‌های اسلیمی و ختایی و زنجیره‌ای و بته جقه به شیوه‌ی دوره‌ی صفوی بر پارچه‌های این دوره نیز مشاهده می‌شود؛ البته در شیوه‌ی نقش‌اندازی این نقش‌مایه‌ها گاه ابداعاتی دیده می‌شود، مانند تنوع در نقش‌اندازی طرح بته جقه به شیوه‌ی «بچه و مادر» و «قهر و آشتی» و «میر». علاوه بر این طرح موسوم به «شاخ گوزنی» به صورت چشمگیر بر پارچه‌های شال ترمه قاجار مشاهده می‌شود.

لازم به ذکر است که در این دوره نوعی دوخته‌دوزی معروف به بخارادوزی در شرق ایران تهیه می‌شد که نقوش آن رجعتی به شیوه‌های تزئینی کهن ایرانی است، یعنی قاب‌های مدور مرواریدی که در دوره‌ی ساسانیان و اوایل اسلام رایج بود و به همین دلیل نیز بررسی این دوخته‌دوزی‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۲- شیوه‌ی تلفیقی (مکتب قاجار): آثاری که با شیوه‌ی تلفیقی خلق شده‌اند به خوبی نمایانگر ذوق و سلیقه‌ی ماهرانه هنرمندان ایرانی هستند که میان سنن کهن و برخی از نقش‌مایه‌های اروپایی و گاه چینی و هندی تلفیقی بسیار زیبا و هماهنگ به وجود آورده‌اند که در بررسی پارچه‌های قاجار این شیوه را مکتب قاجار می‌نامیم.

از نمونه‌هایی که به خوبی نشان دهنده‌ی این شیوه هستند باید به پارچه‌های ساتن و تافته‌ی بافت ابیانه اشاره داشت که نقش‌مایه‌های آن‌ها عمدتاً تلفیقی از هنر ایرانی و اروپایی است، مانند نقش دسته‌های گل به شیوه‌ی اروپایی همراه با نقوش گل و مرغ ایرانی.

لازم به ذکر است که در بررسی پارچه‌بافی قاجار شناخت ویژگی کارگاه‌های ابیانه چه از نظر ابداعات در فنون بافت و چه از نظر اسلوب‌های تزئینی بسیار حائز اهمیت است، چرا که هنرمندان ابیانه در ایجاد مکتب پارچه‌بافی قاجار نقش مهمی ایفا نمودند.

نمونه‌ی دیگری از پارچه‌های مکتب قاجار، یک پارچه قلمکار است که در اصفهان تهیه شده، این پارچه با نقش یک گلدان به شیوه‌ی اروپایی تزئین و گل‌های بیرون آمده از گلدان شامل گل شاه عباسی، گل لوتوس به شیوه‌ی چینی و گل فرنگی است. در میان این گل‌ها برگ‌های بلند کنگره‌دار مکتب تبریز نیز نقش گردیده، در کنار گلدان نیز نقش یک طاووس نسبتاً بزرگ با رنگ‌های بسیار زیبا که تأثیری از هنر هند را نشان می‌دهد، مشهود می‌باشد. این پارچه در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود.

جایگاه منسوجات سنتی در عهد قاجار چگونه بود، و محصولات هنرهای نظیر زری‌بافی و مخمل‌بافی تا چه حد مورد استفاده عموم بودند؟

- در دوره‌ی قاجار انواع مختلف پارچه زربفت مانند زربفت اطلسی، زربفت دارایی و پارچه‌های مخمل زربفت و مخمل گل برجسته و مخمل موج‌دار و همچنین انواع پارچه‌های ابریشمی و شال ترمه و پارچه‌های قلمکار و پارچه‌های نقاشی شده با موم و انواع دوخته‌دوزی روی پارچه در مراکز مختلف تهیه می‌شد.

آنچه براساس شواهد و نمونه‌های مختلف مسلم است، انواع مذکور با درجات مختلفی از مرغوبیت بافته می‌شدند، مقایسه‌ی نمونه‌های مختلف شاخص مرغوبیت را عمدتاً در نوع الیاف، شیوه‌ی بافت و گاه شیوه‌های تزئینی مشخص می‌سازد. چنان‌که در بافت زربفت مرغوب از گلابتون با روکش فلز طلا و نقره استفاده می‌شد که به دلیل قیمت گران خاص طبقه‌ی اشراف و درباریان بود. ولی پارچه‌های زربفتی نیز با الیاف گلابتون که روکش آن‌ها از فلزات ارزان قیمت بود، بافته می‌شد که مورد استفاده عموم قرار می‌گرفت.

در مورد پارچه‌های شال ترمه نیز چنین است، چنان‌که الیاف شال ترمه‌های بافت کرمان از پشم بزهای سفید کمپاب کرمان تهیه می‌شد. شال ترمه‌های تهیه شده از این الیاف بسیار ظریف همانند ابریشم است که طبیعتاً دارای قیمتی گزاف بوده؛ در یزد نیز شال ترمه‌هایی با الیاف پنبه‌ای بافته می‌شد که از مرغوبیت نوع اول برخوردار نبود و به منظور استفاده عموم از این پارچه جهت تهیه لباس و قبا تهیه می‌گردید.

منسوجاتی که برای دربار قاجار تولید می‌شدند چه ویژگی‌هایی داشتند و وجه مشخصه این قسم محصولات از بافته‌های معمولی چه بود؟

-آنچه که براساس شواهد موجود مسلم است این است که درباریان قاجار اعم از مرد وزن به البسه و تزئین کاخ‌ها و منازل خود اهمیت خاصی می‌دادند و به همین جهت از پارچه‌های نفیس و مرغوب که گاه به سفارش دربار در کارگاه‌های مختلف پارچه‌بافی تهیه می‌شد و در خزانه‌ی دربار نگهداری می‌شد استفاده می‌کردند مانند نوعی مخمل زربفت عنابی با گل و ساقه‌های بلند طلایی که درکاشان بافته می‌شد و خاص دربار بود و یا پارچه‌های زربفت به ویژه زربفت دارایی که از نفاست خاص برخوردار بود. علاوه بر این درکاشان نوعی پارچه زربفت ضخیم تولید می‌شد که خاص دربار و به منظور استفاده جهت مخده و پرده بود.

یکی از رسوم سیاسی رایج دربار قاجار رسم خلعت بخشیدن بود و آن قبایی بلند از شال ترمه‌های نفیس بافت کرمان بود که به سفارش دربار تهیه می‌شد و بر روی آنها القاب و اسامی خاص با الیاف زر و یا دانه‌های مروارید دوخته‌دوزی می‌شد. لازم به ذکر است که شیوه‌ی خلعت بخشیدن در واقع همان شیوه‌ی طراز دادن در قرون اولیه اسلام است که تداوم یافته و طراز دادن عبارت است از این که پادشاهان و خلفا به مناسبت‌های خاصی پارچه طراز را که روی آن شعائر و القابی بافته شده بود، به سران و امرا اهدا می‌کردند و به این وسیله به آنها قدرت می‌بخشیدند.

علاوه بر این شاهان قاجار به منظور نذر برای اماکن متبرکه، پوشش قبرهای نفیسی را از پارچه زربفت و یا مخمل به کارگاه‌های معتبر سفارش می‌دادند. این پارچه‌ها اغلب دارای کتیبه‌هایی از آیات قرآن و ادعیه بود.

در نتیجه می‌توان گفت پارچه‌هایی که به سفارش دربار در کارگاه‌های معتبر پارچه‌بافی تهیه می‌شد، از نظر نوع الیاف و شیوه‌ی بافت از کیفیت بالایی برخوردار بود.

لطفا مراکز مهم پارچه بافی عصر قاجار و بافته‌های آنها را به اختصار معرفی نمایید .

-مهمترین کارگاه‌های پارچه‌بافی دوره‌ی قاجار در شهرهای کاشان، اصفهان، یزد، ایبانه، تبریز و مشهد متمرکز بودند که هریک به بافت نوع و یا انواعی از پارچه معروف بودند.

چنان‌که در کاشان انواع پارچه‌های مخمل (مخمل زربفت، مخمل موج دار، مخمل گل برجسته و نوعی مخمل عنابی رنگ با گل‌های طلایی که خاص استفاده درباریان بود) و پارچه‌های ابریشمی ساتن و انواع زربفت بافته می‌شد .

در اصفهان نیز انواع پارچه‌های دوخته‌دوزی شده (ده یک دوزی، پیله‌دوزی، گلابتون‌دوزی و خاتمی‌دوزی)، پارچه قلمکار و نقاشی شده با موم و پارچه‌زری به ویژه زری اطلسی و دارایی تهیه می‌شد.

کارگاه‌های پارچه بافی ایبانه به بافت انواع پارچه ساتن (ساتن گل مخملی و ساتن پشت کلاف) و ایکات (پارچه ابریشم چند رنگ سایه‌دار) بسیار مرغوب اختصاص داشت.

کارگاه‌های یزد نیز علاوه بر بافت پارچه‌های زربفت به بافت نوعی شال ترمه و نوعی پارچه که تارهای آن از ابریشم و پودهای آن از کتان بودند (ملحم) معروف بودند.

در کرمان پارچه‌های نفیس شال ترمه و زربفت و سلسله‌دوزی (نوعی دوخته‌دوزی با الیاف ابریشم روی پارچه شال ترمه) تولید می‌شد.

مشهد نیز به بافت انواع پارچه پنبه‌ای و کرباس و همچنین دوخته‌دوزی‌های متنوع روی پارچه معروف بود.





